

مقدمه مترجم

بی‌تردید تمدن اسلامی در عصر عباسیان (132-656ه) پرشکوه‌ترین دوره‌های خود را تجربه کرده و درخشان‌ترین دستاوردهای علمی و تمدنی را تقدیم بشریت نموده است. اوج شکوفایی این تمدن باشکوه در عصر نخست خلافت خاندان عباسی بین سالهای 132 تا 232 هجری، یعنی نخستین سده فرمانروایی آنان، بوده است. خواه این تمدن را، که به لحاظ طول مدت و دستاوردهای شگرف علمی- فرهنگی یکی از بزرگترین تمدنهای بشری به شمار می‌آید، تمدن اسلامی بنامیم، و خواه آن را تمدن اقوام و ملل مسلمان نام نهیم، نمی‌تواند صرفاً معلول و حاصل تلاشهای مسلمانان همین دوره و مرهون حمایت‌های هر چند بی‌دریغ و فراوان خلفای عباسی باشد، بلکه قاعدتاً باید مبتنی و مسبوق به تلاشها، کوششها و رویکردهای مسلمانان، خلفا و حکمرانان پیش از آن عصر باشد. خصوصاً که تعلیم و تعلم، و کسب علم و دانش، و حرکت به سوی زندگی و فردای بهتر از برنامه‌های اصلی و اساسی آیین اسلامی است. آیات فراوان قرآن درباره دانش‌اندوزی، تفکر و سیر در آفاق و انفس، و نیز سیره و سنت رسول خدا(ص) و پیشوایان دینی بهترین گواه بر صدق این مدعا است.

نگارنده بر این اعتقاد است که تمدن اسلامی روند تکاملی خویش را پیمود و از هنگامی که رسول اکرم (ص) با اعلان منشور حکومت مدینه، پایه‌های این تمدن را بر اساس تعالیم دینی گذاشت و بلکه از نخستین روزهای ظهور اسلام، روزبه‌روز نهادهای علمی- فرهنگی و مؤسسات تمدنی بر پایه مقتضیات زمان و مکان توسعه یافت و فراز و فرودهایی را بنا به دلایلی که فعلاً مورد نظر این سخن نیست، سپری کرد تا اینکه با انقراض خاندان اموی و روی کار آمدن دولت عباسیان به کمک ایرانیان خشمگین از سیاست تبعیض‌آمیز و عرب‌گرایی امویان به سال 132 هجری پا به مرحله جدیدی گذاشت و با ورود ایرانیان دارای سابقه تمدنی ریشه‌دار به حوزه‌های سیاسی، اداری و نظامی خلافت و به کمک سایر اقوامی که در این کتاب از نقش آنان در ساخت و توسعه تمدن اسلامی سخن رفته است؛ به اوج شکوفایی و به تعبیر رساتر، عصر زرین خویش رسید.

اینجانب در بررسی صحت و سقم این فرضیه، دوره پیش از عصر نخست عباسیان، یعنی دوره نود و دو ساله فرمانروایی امویان از سال 132-141 هجری را در یک پژوهش دانشگاهی که تحت عنوان تمدن اسلامی در عصر امویان در حال انتشار است، تحقیق و بررسی کرده‌ام. برپایه این پژوهش، فرضیه مذکور در عصر امویان مهر تأیید می‌گیرد. چنان‌که تمدن اسلامی به رغم روحیه علم‌ستیزی و اندیشه بدوی‌گری و تفکر عرب‌گرایی خلفای اموی روند تکاملی خود را، البته به آرامی، پیمود. تمدن اسلامی در این دوره عمدتاً بر دوش اقوام و مللی بود که در حوزه فرمانروایی این خلافت ستمگر روزگار می‌گذراندند؛ و جز مردمان عرب‌نژاد، سایر توده‌های مسلمان و حتی گروههایی از دینداران همان نژاد از جمله اهل بیت پیغمبر (ص)، نه تنها مورد حمایت دستگاه نبودند بلکه شماری از آنان، خصوصاً خاندان رسول خدا و ایرانیان به شدت از سوی کارگزاران دمشق تحقیر هم می‌شدند.

کتاب حاضر ترجمه پژوهشی است که یکی از نویسندگان معاصر عرب پیرامون تمدن اسلامی در عصر عباسی انجام داده و نخستین بار در سال 1410 هجری در لبنان چاپ و منتشر شده است. این اثر به رغم

حجم اندک و گفته مؤلف که آن را مقدمه‌ای برای شناخت جنبه‌های گوناگون تمدنی عصر طولانی خلافت عباسیان می‌داند، به تقریب همه حوزه‌های علمی-فرهنگی و تمدنی دوره را بررسی کرده و اجمالی از دستاوردهای عظیم ملل اسلامی را در سایه فرمانروایی خاندان عباسی تقدیم کرده است. چنان‌که وقتی خواننده ارجمند مطالعه کتاب را به پایان برد، در خواهد یافت که نکته‌ای در این باره فروگذار نشده است. کتاب خواننده را به شوق خواهد آورد تا به مطالعه بیشتر و گسترده‌تر زوایای پیدا و پنهان تمدن اسلامی بپردازد و رمز و راز گسترش و شکوه آن را جستجو کند.

کتاب با بررسی تعریف و شناخت واژه تمدن و سیر تکاملی آن در فرهنگهای لغت و متون ادبی، وجوه افتراق و اشتراک آن با فرهنگ، و نیز گستره زمانی و حوزه جغرافیایی خلافت عباسی، و اقوام و ملل، و طبقات اجتماعی ساکن در این مملکت پهناور آغاز شده، نقش هر یک از این مردمان را که رشته دین یا قومیت آنان را در سایه فرمانروایی عباسیان به هم پیوند می‌داد، در توسعه و ترویج علوم و فنون، و پدیده‌های تمدنی روشن می‌سازد. هر چند این تمدن پرشکوه، در نهایت به نام هیچ یک از اقوام و ملل ثبت نشد، اما میراث بشری جدیدی بود که بیشتر ملت‌ها از نژادها، رنگها، زبانها، دیانتها و طبقات گوناگون در پیدایش و ساخت آن با هم سهیم بوده و مشارکت فعال داشته‌اند. بهتر آن است که این تمدن را «تمدن ملل اسلامی» و با قدری تسامح «تمدن اسلامی در عصر عباسی» بنامیم.

زیرساخت جامعه عباسی، چگونگی توزیع و پراکندگی جمعیت در شهرها و روستاها، روش زندگی، مسکن، خوراک و پوشاک، نحوه گذران اوقات فراغت و تفریحات مردم در کنار زندگی جدی و کار روزانه، چگونگی مشارکت مردم در برگزاری جشنها در اعیاد و مناسبتها، آداب و رسوم مردمی که بخشی از میراث فرهنگی آنان را تشکیل می‌داد، و نحوه تأثیرپذیری و تأثیرگذاری مردم در مناسبتهای اصیل و وارداتی در عصر عباسی از جمله مباحث دلچسب و شیرین کتاب است که مؤلف توانسته به خوبی از عهده آن برآید.

سازمان اداری، مالی و اقتصادی عصر عباسی بخش عمده‌ای از مباحث کتاب را زیر عنوان امور اداری و مالی، امور اقتصادی و عمران اراضی، صنعت، تجارت و ارتباطات به خود اختصاص داده است. منابع و سرچشمه‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تمدن عصر عباسی، وضعیت سیاسی، نظام اداری و مالی، سطح معیشت، الگوهای رفتاری، عمران و سازندگی، راههای ارتباطی شهرها و روستاها، شبکه راههای زمینی، دریایی، امور بازرگانی و تجارت، صنعت و معدن در روزگار عباسیان به نحو شایسته‌ای چنان در پی هم می‌آید که خواننده حاضر نیست از مطالعه آن دل بکند.

بخش پایانی کتاب به نهضت فرهنگی-علمی مسلمانان عصر عباسی اختصاص دارد. در این بخش، موضوعاتی از قبیل منابع و مراکز فرهنگ، اندیشه و علوم، ادبیات و هنر، به بحث گذاشته شده و ضمن بررسی سرچشمه‌ها و مراکز عمده فرهنگ در عصر عباسی به نهضت علمی و فلسفی اقوام و ملل اسلامی در طول پنج سده حاکمیت پرفراز و نشیب فرزندان عباس پرداخته است. جنبش علمی-فلسفی مسلمانان و دستاوردهای درخشان آنان در این حوزه‌ها، برگ زرین و درخشانی است که برای همیشه در صفحات کتاب بزرگ تاریخ انسانی نورافشانی کرده، همچنان به مثابه معجزه اسلامی در خلال قرون و اعصار باقی خواهد ماند. ادبیات و هنر مسلمانان در کنار نهادهای آموزشی، حلقه‌های درس و بحث دانشمندان، صوفیان، عارفان، متکلمان و فلاسفه، و فقیهان و لغویان از جمله مباحث خواندنی کتاب است که فرد را به استعدادهای

بی‌پایان و خلاقیت‌های شگفت‌انگیز مسلمانان امیدوار می‌سازد. شعر و ادب، و فرهنگ و هنر مسلمانان در این دوره مثال‌زدنی است. خواننده ارجمند با مطالعه این کتاب ضمن آگاهی از گوشه‌ای از دستاوردهای شگفت مسلمانان عصر عباسی، به صحت این مدعا پی خواهد برد.

این کتاب – که ترجمه آن سالها پیش آغاز و انجام شد – می‌تواند جای خالی کتابِ درسی «کلیات فرهنگ و تمدن اسلامی» را تا حدودی پر کند.

در اینجا از همه استادان گرانقدر و دوستان ارجمندی که در مراحل مختلف به گونه‌ای از راهنماییها، مساعدتها و همدلیهای آنان بهره برده‌ام، قدردانی می‌کنم. اگر نبود این همه همراهی و همدلی، شاید این اثر هرگز به سامان نمی‌رسید. یادآوری نام آن عزیزان نه در حدّ اینجانب است و نه درخور این مقال. امیدوارم همواره سربلند و سرفراز باشند. به روان آنان که مترجم را در این راه حقی بر گردن نهاده و چهره در نقاب خاک کشیده‌اند، درود می‌فرستم.

محمد سپهری

تهران، آبان 1383

مقدمه مؤلف

تمدن عصر عباسی، به تنهایی یک جهان است. بنابراین سخن گفتن از آن، سخن از تمدن جهانی در طولانی‌ترین دوره‌ای است که تاریخ قرون میانه می‌شناسد. این تمدن، جهانی از رفتارهای تکامل‌بخش و متقابل سرزمین، انسان، زمان و حوادث است که همدیگر را تکمیل می‌کنند. این دوره پنج قرن و اندی به درازا کشید و بر همه جهان قدیم سایه انداخت و بیشترین بخش شناخته شده آن روز کره زمین را با همه گونه‌های جغرافیایی، سیاسی و ثروت اقتصادی آن دربر گرفت.

بیشتر ملتها از نژادها، رنگها، زبانها، دیانتها و طبقات گوناگون جامعه در پیدایی حوادث، و ساخت تمدن این دوره مشارکت داشته‌اند. این ملتها در صحنه حوادث عصر عباسی به هم رسیدند، با هم مسابقه دادند، نبرد کردند و از همدیگر چیزهایی گرفتند و هر بار قدمی در جهت تکامل برداشتند تا آنجا که فرهنگ خویش را در سایه مدیریت و ارزشهای اسلامی به شکوفایی رساندند. بدین ترتیب دستاورد جدید و میراث بشری تازه‌ای فراهم آمد. این میراث جدید انسانی تمدنی متمایز از اصول خود، و دگرگون از سرچشمه‌های خویش است که از آن نشأت گرفت. در عین حال، حاصل و نتیجه همه این اصول و سرچشمه‌ها به شمار می‌رود.

این تمدن در نهایت، از آن رنگ، نژاد، و امت معینی نبود؛ نه عربی بود، و نه ایرانی؛ نه ترکی بود، و نه رومی، و نه زنگی؛ نه تمدن نژاد سفید یا سیاه یا زرد بود؛ و نه تمدن سروران آزاد یا بردگان دربند، بلکه به اختصار و وضوح تمام، «تمدن عصر عباسی» بود که بغداد پایتخت اداری آن، و مرکز دنیا بود.

این غنای منابع و سرچشمه‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تمدن عصر عباسی،

موجب غنا و تعدد پدیده‌های این تمدن در زمینه‌های زیر شد: وضعیت سیاسی، نظام اداری، سطح معیشت، گونه‌های رفتار، الگوهای عمران، راههای ارتباطی شهرها و روستاها، شبکه راههای زمینی، دریایی و برید که مناطق مختلف را به هم مرتبط می‌ساخت و موجب تسهیل بازرگانی و تجارت، و تسریع تبادل و انتقال فرهنگها بود و به پایتخت امکان می‌داد تا بر مناطق دوردست کشور پهناور عباسی سیطره و حاکمیت داشته باشد. این غنای تمدنی را نمی‌توان در یک کتاب گرد آورد و همه جزئیات پدیده‌های آن را در صفحاتی محدود بیان کرد. در عین حال جزء می‌تواند بیانگر کل باشد و بخش نمایانگر مجموع. از این رو مطالعه ناچیز ما که در حد امکان کوشیده‌ایم چیزی از جزئیات اساسی و ویژگیهای عمومی و کلی پدیده‌های تمدن عصر عباسی را نادیده نگیریم، می‌تواند «درآمدی بر تمدن عصر عباسی» باشد. می‌دانیم که تنها راه ورود به خانه‌ها، در آنهاست و همین در منزلت و جایگاه درهای ورودی بس که به میدانهای گسترده راه دارد و از آنجا می‌توانیم به نمایشگاهی بس غنی نظر اندازیم که گونه‌های مختلف زندگی عصر عباسی را در هر شهر و روستا در بر می‌گیرد، با خانه‌ها و اسباب و اثاثیه منزل، و ثروت اهالی، و خوراکیهای رنگارنگ، و جنبش تجاری و بازرگانی، و داد و ستد مردمان در بازارها و بندرها؛ آنجا که کشتیهای حامل کالاها و تولیدات مناطق، و محصولات و صنایع مردمان کنار در کنار، پهلو گرفته‌اند، و جاده‌ها و دروازه‌های بزرگ شهرها که کاروانهای مسافران، و جهانگردان، و حاجیان از آن در گذرند، یا مساجدی را نظاره کنیم که از صفوف نمازگزاران، و حلقه‌های درس فقیهان، و مجالس بحث لغویان، و احکام قاضیان، و مناظره‌های صوفیان و متکلمان رونق و آبادانی گرفته است. آنگاه به کاخها، ساختمانها و تأسیسات، و نیز کاروانهای شادی، و مجالس جشن و پایکوبی مردمان در روزهای جمعه و اعیاد ملی و مذهبی چشم بدوزیم که همه و همه در فضایی آکنده از روابط اجتماعی و مطابق قاعده و قانون، و بر طبق آداب و رسوم عصر عباسی انجام می‌شود و هنوز هم برخی از این آداب و رسوم در رفتارهای امروزی ما نمود آشکار دارد. چنان‌که در میان مردمان این روزگار اشاره‌هایی می‌بینیم که ارتباط انسانی و وابستگی آنها را به مردمان آن دوره نشان می‌دهد. گویی برخی از مردمان عصر عباسی در جمع مردم روزگار ما حضور دارند، همان گونه که برخی از آداب و رسوم رایج در عصر عباسی، گروههایی از مردم روزگار کنونی را به خود پایبند کرده است؛ چرا که تمدن استمرار و تداوم است.

پایبندی به اصول پژوهش واقع‌گرایانه ما را بر آن داشت تا ادوات بحث را محدود نموده مضمون و مفاهیم اصلی آن را در بارزترین آنها، یعنی مفهوم تمدن (حضارت) منحصر سازیم؛ زیرا دیدگاههای متفاوتی پیرامون این مفهوم وجود دارد و اندیشمندان در تعریف آن اختلاف نظر دارند. آنگاه به تعیین موضوعاتی پرداخته‌ایم که آنها را می‌توان زیر این مفهوم در آورد.

روابط دو سویه عناصر تمدن، و پدیده‌های تمدنی موجب شد تا موضوعات، بخشها و فصلهای کتاب را به صورتی که مشاهده می‌کنید، ضمن یک سامانه تمدنی گسترده، مرتب و سازماندهی کنیم؛ بدین صورت که پدیده‌های تمدنی عصر عباسی را در چهار بخش به هم پیوسته که همدیگر را تکمیل می‌کنند، تقدیم خوانندگان کرده‌ایم. آنگاه هر بخش را به چند فصل و شماری مبحث تقسیم و پیرامون موضوعات زیر ارائه نموده‌ایم:

1. زمینه جغرافیایی و تاریخی که سند مکانی و زمانی تمدن عصر عباسی است.
2. وضعیت اجتماعی که بر پایه زمینه پیش گفته شکل گرفت. در این بحث به ساختار اجتماعی، احوال معیشت و گونه‌های رفتاری توجه شده است.

3. سازمان اداری و مالی، و گردش اقتصادی جامعه عباسی با استفاده از منابع ثروت و شرایط فراهم شده برای رشد، شکوفایی و بهره‌وری آن.

4. جنبه‌های گوناگون فرهنگ، علوم، معارف و فنون که در چهارچوب عوامل طبیعی، اجتماعی و اقتصادی عصر، و با استفاده از مدیریت و ارزشهای اسلامی به شکوفایی رسید.

تداخل و به هم پیوستگی این موضوعات به کمک واژگان و کلمات، سیمایی از ساختار تمدنی عصر عباسی ترسیم می‌کند که برخاسته از اصول مادی جغرافیایی و مبتنی بر پایه‌های اجتماعی است، و پله‌پله، و طبقه‌طبقه بالا می‌رود تا دستاوردهای فکر و اندیشه، و نوآوریها و ابتکارات عصر عباسی را در زمینه‌های فنون و ادبیات، که در میراث انسانی در جایگاه طبیعی خویش قرار دارد و پس از نابودی آثار مادی و پدیده‌های عمرانی تنها نشانه ثابت عصر عباسی باقی مانده است، در عالی‌ترین طبقات استقرار بخشد. این بدان معنی نیست که زیر بنای مادی، شکل و مضمون ساختار فوقانی عصر عباسی را شکل می‌دهد، بلکه کنش متقابل و تبادل بین ماده و ارزشهاست که تمدن این عصر را از همه دوره‌ها متمایز کرده است. اسلام در رأس ارزشهای دوره، جهت‌گیریهای عمرانی و تأسیساتی این عصر، و اصول داد و ستد، و معاملات بازرگانی، و جنبش اقتصادی عباسی را سامان داد. می‌دانیم که همه این امور از جمله اصول زیربنایی مادی است.

سزاوار ملاحظه است که مطالعات تمدنی در حاشیه ادبیات، تاریخ، آثار، علوم دینی، فلسفه، فنون، اقتصاد و عمران به وجود نیامده، بلکه بر عکس نمی‌توان به طور قطع هیچ یک از وجوه یا اشکال فعالیتها و تأسیسات را به یک دوره نسبت داد مگر هنگامی که با واقعیت تمدن آن عصر هماهنگ و سازگار باشد؛ زیرا هر یک از این معارف یا فعالیتها و یا تأسیسات که یک پدیده تمدنی را شکل می‌دهند، بیانگر واقعیت دوره‌ای است که بدان نسبت می‌برد. بر همین اساس، مطالعه تمدن یک عصر خاص به مطالعه ادبیات، اسناد تاریخی، آثار، فلسفه، فنون، اقتصاد و عمران آن عصر مدد می‌رساند... چه کم‌اند پرندگانی که بیرون از دسته آواز می‌خوانند. به منظور نقل هر چه دقیق‌تر و عینی‌تر گونه‌های تمدن عصر عباسی به آن دسته از منابع موجود مراجعه کرده‌ایم که در انتساب به این دوره مشهورند و مشاهدات عینی خود از جامعه عباسی را گزارش می‌دهند و فقط به منقولات دیگران و شنیده‌ها بسنده نمی‌کنند. بدین ترتیب کوشیده‌ایم تا پدیده‌های این تمدن را از طریق مطالعه مستقیم این منابع و تحلیل محتوا، و مقایسه مضامین آن به دقت شمارش کنیم و حتی‌الامکان حقیقت را به دست آوریم. این روش به ما امکان داد تا به دور از تحلیلهای دیدگاههای نویسندگان معاصر، تمدن عصر عباسی و پدیده‌های آن را آزادانه بررسی و مطالعه کنیم. البته در این پژوهش به آراء این نویسندگان هم مراجعه نموده از تجارب و شیوه‌های آنان بهره برده‌ایم.

در پایان امیدواریم توانسته باشیم از طریق این اصول و مبانی پژوهشی دانشگاهی و واقع‌گرایانه تقدیم دانشجویان و عموم خوانندگان کنیم. امید است این پژوهش خاضعانه، اندکی به دستاوردهای گذشتگان در این میدان افزوده باشد.

محمد کاظم کئی

اکتبر 1989 میلادی